

عظم قدرت و عز او ایست و رضا لشاهی اول در حق طرف الاکسار بفرموده  
 نظر ایاره شروع و ابتدا اید و یک یک سبک بقدری است و در کوه مذکور  
 قیودان کشی صافی تر صفات اولیوسا حقیقاً با بلایر قیودان کلیدینه اولیوسا  
 لاغت نظام تمام و احتیاج بود برای اینست که کتاب الله با نیت  
 جنس است بطوری که عشق ایلدی مرغاشی کوی عشق ماعده و راعده اید اعظم  
 گوید بود بر سر کجوان چاغله سفاک غداسی اولد و غنم بر شین آفتون  
 بود در شمال با حسن کفر تقابله جلی نمره سی اولور سال

دوین طوطی که سرش استایدون بیرون  
 سینه داشته که با نیت از نیش طوطی که  
 صالندی یی لر بر لاله زلال بیج مسکنه  
 و کافر لوی قوی سینه سینه سینه  
 سلامت سلطان فریکه که سرش بود  
 کدرت فعل نایبند اینک دبل  
 کور و کلنده ریشخین اینک دبل

دولایت کردید آن سیدی عازمی تا انقاصنده اولاد بلا کاس بیچی  
 و جانقاه جانده سیاه بر سینه بوزین اید الکرک بی خوف و بیچی طبعک  
 بوشنده افتقاری از اولان کما اعیار بوزین روشن و اشکار و ظاهم بوزین

کون یوزن کور مکن طوطی که سرش بود  
 حاکم یک و یک است آب طوطی که سرش بود  
 شو فلک هر عالم تاب طوطی که سرش بود  
 کجی لر تا صحرک چنواب طوطی که سرش بود  
 جوی استمدن بنده دولا بوزین طوطی که سرش بود  
 اشوبورج الممش بر عقاب طوطی که سرش بود

کسی مول و صفتش بخشنه از نیت و یکی کی ار بود و لایق در دو سوسمه طایفه سینه  
 بظیری و غلافی اولد قدر فصد که کجی و یا نیتی اولوسان اولیت سینه سلوک  
 اید و سنان زعامت که کوشنده فرخنده قناعت بوشه شتوی و کلام کلام  
 او بوزین اولان مضمی تک طایفه الانحاز بفرموده اسفار در بر بار نیک او اسن ل ر با

بهر کجی صافی و پاک کویا که بر چوئی خاشاک و آینه تا سکه که از شرف علی عشق  
 حالان ظهور و صدره ایچیکل حب حالتش بی بر ملا اولد و شرف زبان اینت  
 و بیان و ادای جان بوش و ان ایل سیح اسحق زنده لرن احیایون  
 شخردان و کلکونه لغتار در درباری رخسار استان ازینک زینت و هما  
 و یوب دبار رومده صاحب جنب اولان نزهه فصیحان در چون که  
 غایت اختیار و نهایت بخت و اشتیاقی بویج دوا رده افتاب وار  
 ظاهر و بدیدار در نوزن زیاد کیت خاندنکشان انصاف و شفقت  
 تک و یوب و یک کلامت بیطمانی اسباب است و جو ایکه صفات  
 مقتضای حال و لغتین با مقدار مقالله انقا اولدی و کار نوز کارک

کرم و سیدی و بویج کجی کیت رک در درون کجی کیت رونی کایا لیدی  
 و کار رومده کایا و ج غنمه در حه علب ده کایا مضمض و نیتده حال کیت  
 اولمش در حوم ابراهیم باش یه و اسکندر جلین بی فصدده لر و بویج کیت  
 خالص سینه و جی صفا اسلیمه مشول و حصول بو کماله لطاف اعطاف کیت  
 نظار و مانند مال کشتنهای ارباب کمال و اصحاب همه اولمشدی مولی

عظمت صفا حیدری و امالی که ازم بله محاسن سدری و ارباب معارف کیت  
 علی نیت حوم خیالی اید معارفه و شاد و ری سینه در صاحب خیران  
 زما در حوم سلطان سلیمان انقازی اید دیار بجه بر آید که بوضه دیوب  
 خیالی اید معارفه سینه اید و اظمار همیشه در اول قصدده بود

چکار کون کجی اوق صفتله بجه چری	زده طوطی که سرش بود
بکا اولدی خیالی یه اون غنمش	حق بود سر حلال اید بوشه شتوی
بن از نیت کجی کیم اول سفقله تیری	بن صواش کیتده چری کیم و بویج کیت

بویج فصدده سینه باشانک سمنه و اصل اولد فصدده مضمض حیا اید جفا حضرت بو  
 اید استخاری علیه الرحمه الباری اولیتین و یوب و ان سفقون کلام کیت  
 قیاس بویج اولیتین اید سلطان اهورقان اولیتین و یوب سمنه ناده استنوده  
 سلطان با نیت اولیتین ایشام و احسنک انمشدی الطاف استانی اولد

۲۹۲

